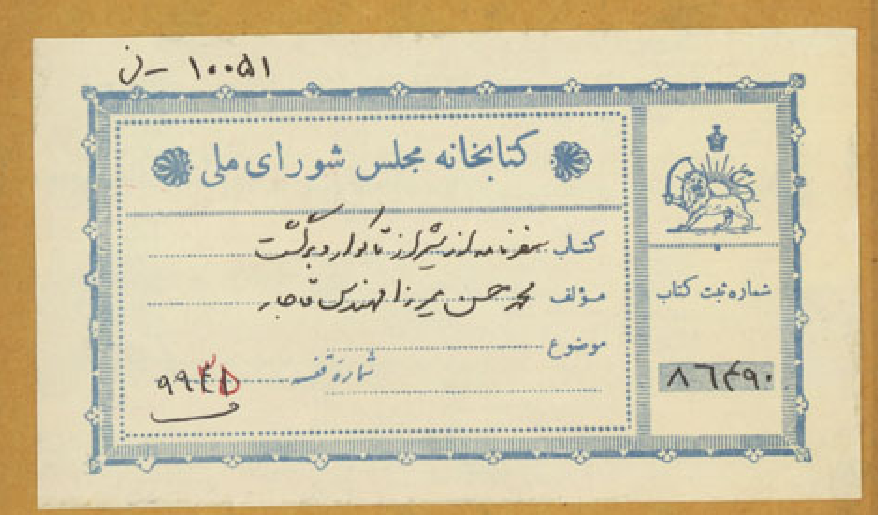
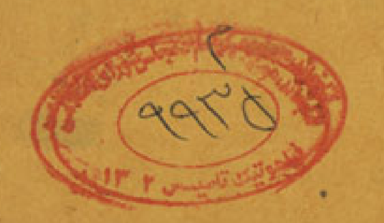
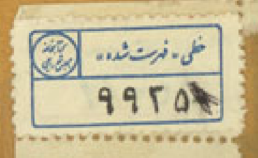

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب سفرنامه از شیراز تا کاردو برگشت
مؤلف محمد حسن میرزا مهندس قاجار
موضوع
شماره قفسه ۹۹۳۵
شماره ثبت کتاب
۸۶۴۹۰


۹۹۳۵


خطی - فهرست شده
۹۹۳۵

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله خیر الاسماء

صورت کتابچه و راپورت مسافرت منازل مبیت و دوکانه از شهر شیراز بسروستان
و فسا و داراب و جهرم و خفر و کوار الی مراجعت بشیراز است که حسب الامر
جهان مطاع اعلیحضرت ظل اللهی ارواح العالمین له الفداه که بتقویت حضرت
مستطاب اجل اکرم امین السلطان وزیر اعظم مد ظله و بانتخاب جناب جلالتمآب
اجل اکرم مخبر الدوله وزیر علوم دام اقباله و در زمان فرمانفرمائی حضرت
مستطاب اشرف والا شاهزاده معتمد الدوله العلیه امیر تومان حکمران فارس دام شوکته
بمأموریت و قلم این خانه زاد دولت ابد مدت قاهره محمد حسن میرزا مهندس قاجار
مطابق شهر شوال المکرم توشقان ئیل خیریت دلیل ۱۳۰۸ صورت اختتام پذیرفته است

بسم الله الرحمن الرحیم

منزل اول کنار پل فسا   فاصله مابین شهر شیراز و پل سه فرسخ تمام پس از حرکت
از شهر از دروازه قصابخانه وضع راه گاهی در امتداد جنوب غربی است و گاهی
مایل بجنوب شرقی و کلیه از کنار زراعتهای آبی و چرخی معمولی فارس میگذرد و این
صحرا را بلوک شوبازار نامند قریب دو ثلث مسافت چمن شوره زاری است که در
زمستان بخودی خود آب دارد و عبور از آن خالی از زحمت نیست در جائیکه در چمن
راه دیده میشود و با جاده چندان مسافتی ندارند قرار ذیل است

سمت یسار — سمت یمین

قلعه شاهزاده سلیم — دشت چنار — اوجوار — جعفرآباد — سبحان — پرونه — سهراب آباد — قصر شهریار — احمدآباد

در تمام امتداد راه کالسکه حرکت کند و چندان تعمیری ندارد و مگر کنار بعضی از
مرز زراعتها و ملپهای روی نهرها که مخارج آن مبلغ پنجاه تومان براورد شده

بفاصله یک فرسنگ از شهر در کنار جاده قریه جعفرآباد ملکی حاجی میرزا کریم صراف دیده
میشود این قریه مشتمل است بر قلعه آباد و چهل خانه وارای دو قنات شیرین و عمارت اربابی
و باغ مشجر میوه دار که اغلب میوه جات سوای مرکبات در آن مجتمع است و کاروانسرای
قافله انداز و زراعت آن غله و تریاک ولی امسال کمی از آن زنگ زده و تا پل فسا
دو فرسخ است   محل اردو در کنار پل معروف به پل فسا است و آبادی ندارد این پل
بر روی سیاه آبی بسته شده که از حوالی کوه سبز پوشان می آید و نه چشمه پست مختصر است
که با سنگ ساخته اند و در تابستان آب آن بالتمام خشک شود ولی در زمستان و بهار آب
زیاد دارد اما گوارا نیست و آب مشروب باید از قریه ده نو نیم فرسنگی این نقطه حمل شود
در محاذات پل قطعه کوهی است معروف به پوزه که بر رشته کوه مهارلو وصل شود و در
این نقطه کمی آهو و گاهی شکار بز و قوچ و در زمستان بندرت کبک یافت گردد و اهالی
قرا نزدیک این پل در تابستان زیر چادر منزل نمایند و گاهی در نی زار کنار این سیاه آب
که از دور دیده شود سیورسات اردوی مبارک را از توابع شوبازار و ده نو ملکی جناب
قوام الملک باید تهیه نمایند

منزل دویم

منزل دویم اردوی مبارک قریهٔ مهارلوست قریهٔ مهارلو ملکی نصیرالدوله و در کنار دریای نمک واقع شده فاصله مابین پل فسا و قریهٔ مهارلو چهار فرسنگ تمام است پس از حرکت از پل راه دو شعبه شود از طرف یمین بلوک فسیر و آباد و شعبه دیگر مهارلو و سروستان بود و وضع راه تقریباً در امتداد جنوب غربی است و بلافاصله از صحرای صاف مسطحی کویر و شوره زار عبور نماید که در زمستان بی اندازه گل شود و پس از یکفرسنگ و نیم بدامنهٔ کوهی رسد که راه از بغله و نخنای ماهور است و در بعضی نقاط باید از ساحل آبی دریای نمک گذشت و قریب نیم فرسنگ بهمین قسم است و بعد راه از دریا قریب پانصد ذرع دور شود و زراعتهای چرخ آبی بلوک چرچره نمایان شود و بعد بزراعتهای چرخی و آبی مهارلو رسند و در تمام مسافت دریا که قریب شش فرسخ و دو فرسنگ کم و بیش عرض دارد نمایان و آب آن اغلب از چشمه سار کنار کوه و وسط خود دریاست که جوشش نماید و خالی از صفا نیست و پس از آن باغات و آبادی مهارلو پدید شود مهارلو قریه ایست مشتمل بر دویست خانوار رعیت بومی و باغات مشجر که اغلب آنها انار و انجیر و کمی توت است و آب آن از چشمه های کوهی است که فاصله آن تا آبادی ربع فرسنگ مسافت دارد و اکثر آنها غیر مشروب است محصول آنها غله و



صیفی و تنباکو امسال هم عینی کرده است قریب دو هزار گوسفند دارند و مال بارکش آنها الاغ است حمام ندارند مجبراً طاحونه در این آبادی است شکار بز و میش و کبک در دامنه کوه مهارلو همیشه موجود در کوهسار جنب قریه اشجار جنگلی انار و انجیر و بادام را تربیت کرده اند و پیوند زده اند از خود آبادی نمایان و منظر خوشی دارد و هوای این قریه گرم و بواسطه دریا عفونت هم دارد کالسکه تقریباً در این امتداد حرکت میکند مگر قدری سنگلاخ ناهموار و پوزه کوه جنب دریا باید ساخت و اصلاح تمام مابین دو منزل مبلغ *دویست و بیست تومان است* قریهٔ مهارلو خیلی خرابه بنظر می آید و لیکن اهالی آن مرفه الحال و متمول اند

منزل سیم

منزل سیم اردوی مبارک قریهٔ خیرآباد است خیرآباد ملکی میرزا احمدخان کارگذار است فاصله مهارلو و خیرآباد چهار فرسخ است راه آن در امتداد جنوب مایل بشرقی است پس از حرکت از منزل الی یکفرسنگ تمام در کنار زراعتهای آبی و دیمی خود مهارلو عبور میشود از طرفی تا کوه نیم فرسخ و از طرفی تا دریا هم نیم فرسنگ است حرکت کالسکه را چندان مانعی نیست جز آنکه سنگلاخ شدید است و برچیدن سنگها و چند باب پل روی نهرها معادل *یکصد و چهل تومان* خرج دارد و در اغلب راه تا قریهٔ موکد آب ابداً یافت نشود

یک میدان بود که مانده راه دو شعبه شود یکی بطرف خور و جندق رود و یکی بسروپستان
کوه طرف یمین کمی جنگل است و در آن شکار کوهی پازن و کبک و در جلگه کنار دریا آهو
یافت شود در این حدود دریا بتمام رسد قریه بود که در عرض راه باغ مختصری
شود هوای این قریه ییلاقیت دارد پس از گذشتن از بود که راه در امتداد زراعتهای
مختلفه است و بعد دارد کویر طولانی گردد تا خیرآباد باید از همین کویر عبور کرد و در
زمستان بواسطه گل و باتلاق زحمت دارد قرابیت اللهی و منجان و زراعت چشمه آبجری
و چادرهای ایل عربی بفاصله نیم فرسنگ کم و بیش در یمین و یسار نمودار است
خیرآباد مشتمل است بر قلعه کهنه مخروبه بدون اشجار و شانزده خانوار رعیت و آب آن یک
رشته قنات غیر گوارا است که نیم سنگ آب دارد زراعت آن غله و تریاک که هم از
آب و هم از چاه کشیده شود کاروانسرای سنگی مخروبه در نزدیکی قلعه است کوهی
مجرد در وسط صحرا بفاصله ربع فرسنگ از قلعه پیداست معروف بجزمن کوه و از قرار
مذکور شکار در آن همه نوع موجود است در حوالی این ده و قریه بوته گز زیاد و فراوان است
اصل این قلعه در جلگه مسطحی است که بسیار خوش منظر است

منزل چهارم

منزل چهارم اردوی مبارک قصبه سروپستان است فاصله بین خیرآباد و سروپستان
سه فرسنگ است راه آن در امتداد جلگه وسیعی واقع شده که دهات آن بلوک
کلیه در این جلگه است اغلب راه از کنار دهات واقعه در سمت یمین مانند سعادت آباد
و کلنو و حسین آباد و کنه گنبد میگذرد و غیر از این قرا دیگر در سمت یسار آبادی
دیده نمیشود و تمام راه از وسط زراعات و انهار و قنوات مختلفه است تا وارد
سروپستان شوند و مخارج تعمیر آن بمبلغ شصت تومان است سروپستان عبارت
از دو آبادی متصله بیکدیگر است یکی معروف به ترکان و یکی جناب حاجی نصیر الملک
که قریب پانصد خانوار جمعیت دارد و دارای اشجار میوه دار و دیگر قصبه
موصوف به برزو است که اصل سروپستان است و تمام این آبادی باغات مشجر
بسیار باصفا که قریب نیم فرسنگ محیط آنست محدود شده و در حقیقت سبزستان است
نه سروپستان این قصبه برزو مشتمل است بر چهار صد خانوار جمعیت و بیست باب
دکاکین لازمه و سه باب حمام و یک تکیه و آب انبار بزرگ و عمارتی معروف
بحسینیه که محل حکومت و اغلب این آبادیها بحکم حضرت معتمد الدوله باهتمام
علیخان قاجار که حاکم آنجاست انجام یافته الحق جای بسیار باصفا و پاکیزه

وکلیه دارای چهار رشته قنات و چشمه است برف از دو فرسخی در تابستان حمل شود
کوه سمت شمال آن معروف بسر اکوه خدا و کوه جنوب بکوه گشتاسب جنگل معروف
بشدید در چهار فرسنگی آبادی واقعشده مردمانش اغلب با کمال حرفه ملکی دورنی
و نمد مالی مرغوب مخصوص بسروپستان است کوچهای آن اکثر وسیع و تمام درب
خانه ها را بحکم حکومت سفید کرده اند تمام بلوک سروپستان قریب به بیست و پنج
قریه است میوه جات آنها بادام و انگور و سیب گردو و انار و نخل است مرکبات نیز
بعمل آید معدن نمک ممتازی در حوالی سروپستان است که باطراف حمل شود تنباکوی
سروپستان زیاد است ولی مرغوب نیست زراعت آنرا الکی زنگ زده است شش
باب مسجد متوسط در این آبادی است شکار آن قسم اوان خاصه کبک و در کوه قوچ
و پازن موجود است

منزل پنجم

منزل پنجم اردوی مبارک محل معروف بمیان جنگل است فاصله مابین این دو
منزل چهار فرسنگ و نیم تمام است پس از حرکت از سروپستان گذشتن از
باغات راه در امتداد جنوب شرقی و از جلگه با نشیب و فرازی است که اغلب آن



جنگل است تا به آسیا آخر نف رسند و پس از آن تا یکفرسنگ دیگر راه در ماهورهای
دامنه تپه است و جنگل سروستان این جنگل دارای تپه های خشک و اشجار آن کوهی
و بادام تلخ میباشد و چندان انبوه نیست و آب آسیا و قریه ترنگ از دره این جنگل
و تپه جاری و سرا است تا برج قراولخانه که دو فرسنگی سروستان است رسند
ده نفر تفنگچی باجری در این قراول هستند این نقطه بواسطه آب و چمن و اشجار و دورنمای
این جلگه خالی از صفا نیست شکار کبک و قوچ و بز و پلنگ و گاهی خوک در نیزار آن
موجود است راه کالسکه تا اینجا سوای بادی سنگلاخ عیبی ندارد و تعمیر آن در چند نقطه
این محل شیصد تومان است پس از حرکت از قراولخانه تمام راه داخل جلگه کاروانسرای
جدید البنا در میان جنگل که از بناهای مرحوم معز الملک است قریب دو فرسنگ و نیم از
ماهورهای سنگی و گردنه و نشیب و فراز جنگلی سخت سنگلاخ میگذرد و معروف به جنگل
شده است و تمام آنرا باید تعمیر نمود و قریب ششصد تومان خرج دارد و ابدا آب
و آبادی در این حدود نیست تا در یکفرسنگی کاروانسرا اندک آبی و قنات کوچکی هم
شود و با این آب ایل باجری کن این محل زراعت مینمایند جلگه کاروانسرا بسیار کم آب
و اما مزاد و با بقعه متبرکه در آن واقعشده و خود کاروانسرا تمام و آبادی تا بحاجی آباد قافله هم در آن

نیست و در یکفرسنگی این مکان قریه و قلعه نمایان است که محل قشلاق باصری و ملک جناب
قوام الملک است و قریب بیست خانوار باصری در زمستان سکنی دارند و در تابستان در
حدود آن جا چادر دارند اطراف این جلگه را از جهات اربعه کوهستان جنگلی شدید احاطه
نموده است و آبادی دیده نمیشود و مسافرین از طرف فسا و سروستان باید تمام آذوقه و
علیق مال خود را حمل باین نقطه نمایند شکار این جلگه و خط راه بز و پازن و کبک فراوانست
پلنگ نیز گاهی یافت شود در این جلگه محل اردو بواسطه وسعت و آب کمی علف و چمن خالی از
اشکال نیست و تا شهر فسا شش فرسنگ مسافت است

منزل ششم

منزل ششم اردوی مبارک شهر فسا است فاصله مابین جنگل و فسا شش فرسنگ است و
آن در امتداد جنوب شرقی و گاهی جنوبی است پس از حرکت از منزل قریب نیم فرسنگ جلگه
سنگلاخی است بسیار سخت پس از آن شروع شود بگردنه خیاران و بارش لوم و دهنهای بد
دارد بعینه که قبل از تعمیر ابدا کالسکه حرکت نکند در سنه که جناب قوام الملک از اینجا عبور
اولا هموار میشود تا نیا با کمک جمعیت و زحمت عبور میدهند و پس از دو فرسنگ و نیم کاروانسرای
سنگی خرابه رسند که منزل چاپار مستحفظ راه و کمی آب و چمن مختصری دارد و مخارج آن تا این کاروانسرا مبلغ

یکهزار و دویست و پنجاه تومان بکار آورده شده است و آب عمله جات را باید از دو فرسنگی حمل نمود
مختصر آبی هم که هست در تابستان میخشکد در کلیه این مسافت جز جنگل آبادی ملحوظ نیست در
بهار که ایلات خمسه بییلاق میروند معبر آنها چند یومی از این نقطه است و پس از حرکت از این
مکان راه در امتداد گردنه و سنگلاخ جنگلی رو بجنوب شرقی است و همه جا الی یکفرسنگ و نیم
باید راه سازی نمود و بعد شروع بنداب جلگه میرسد که سنگلاخ شدیدی الی سه ربع فرسنگ
بفسا مانده و آب یافت شود در این نقطه نهر آب قریه آب باریک ملاحظه شود و مخارج از قرار که
الی فسا بر روی هم هشتصد و پنجاه تومان است تا واضح باشد محل اردو در فسا در خارج شهر
سمت جنوب است که دارای بین جاف و آب و کمی اشجار است شهر فسا مشتمل بر چند قریه
متصله بهم مانند خود فسا و کوشک قاضی و دریمی و شیخ آباد و بانون و فیروزآباد و
که تمام آنها از قنات مشروب شود و عبارتست از باغات مشجر مرکبات و نخیل و چنار
و سرو و اغلب میوه جات تابستانی لیکن میوه آب ندارد و خود فسا دارای یکهزار و هفتصد
خانوار جمعیت بومی و سیصد باب دکاکین لازمه و سه حمام و پنج باب مسجد مختصر و اهالیش
اکثر فاضل حرفه ملکی و زرعی آن معتبر و کوزه سازی آن نیز خوب شکار آن در دامنه کوه
تودج ادعانی و بز فادر بری است و سه فرسنگی شهر است و آهو و کبک آن نیز فراوان

در تابستان از این کوه‌ها برف حمل نمایند ایلات عرب و باصری در بهار و پاییز از پا
عبور کنند آثار آتشکده در سنگ گرم زیر خشن کوه دیده میشود که خراب و از محل
آتش حال آب خارج میشود هوای این بلوک در تابستان بسیار گرم و بواسطه نخیل زیاد که
خرماهای آنهم چندان خوب نیست بد هوا است ملخ و زنگ زراعت اینجا را خسارت زیاد میزنند.
و اینجا پس تغییر حاصل نموده است زراعت آن غله و تریاک و خرما و مرکبات است
که باطراف حمل شود گاو و گوسفند آنها بقدر معاش اهالی است نه زیادتر شتر ندارند
مال بارکش آنها جز الاغ نیست ملخ مصری از شش سال در حدود داراب بوده
هر سال آنها را میکشتند امسال زیاد شده و باینجا هم سرایت نموده ضرر کلی
رسانیده حتی تریاک را فاسد کرده زراعت تنباکو هم زیاد و ولی ممتاز نیست شاخ نور
نیو دکه چلیه وری میکنند ساکن فسا میباشند مالیات این بلوک سیزده هزار تومان است

منزل هفتم

منزل هفتم اردوی مبارک نوبندگان است نوبندگان ملکی مقرب الخاقان حیدر
علیخان نواب است و جمعی دیگر نیز شرکت دارند این قریه جزو فسا فاصله مابین این
دو منزل سه فرسخ است راه آن در ابتدا جنوب شرقی است پس از حرکت از

ن



فسا وضع راه از قرار ذیل است نیم فرسنگ که از فسا دور شوند اول به مسیل رودی
رسند که معروف به رود تنگ کرم است که پل لازم ندارد و در جلو رود قریه
کوشک قاضی دیده میشود و پس از نیم فرسخ قریه بادم در وسط راه با آباد و باغات زیاد
پدید شود پس از آن الی نوبندگان در جلگه عبور شود که بعضی پست و بلندی دارد
در عرض راه آبادی دیده نمیشود مگر در همین جاده قراء تحت کوشک و صحرارود
و غیاث آباد و محمود آباد بفاصله ربع فرسنگ از راه نمایان هستند
کلیه در تمام راه آب موجود و از مسیل دیگری که نشیب و فراز سخت دارد باید عبور
نمود حرکت عراده با کمال عسرت است و جاده از مابین اراضی زراعت که خیلی کم
عرض است واقع شده و باید از نهرهای مخصوص جداول بشماره آنها گذشت و
چندین پل چوبی ساخت و نشیب پشته‌ها چاپار را کم نمود بعضی که تمام طول راه از زرع
جاده صحیح یافت نشود و در بسیاری از نقاط پست سنگ جاده را باید برچید و تعمیر آن
تا جلگه نوبندگان چهار صد و پنجاه تومان است شکار این جلگه آهو است و در
دامنه کوه تیهو و دراج و شاه بگابگ پازن موجود است زراعت این بلوک غله و تریاک
و صیفی است ولی امسال تمام آن را ملخ خورده است ایل مزیدی در این صحرا چادر میزنند

نوبندگان از قلاع قصبه فارس و در دو قلعه داخله یکدیگر هزار خانوار رعیت سکنی دارند و
حمام و یک طاحونه و پانزده باب دکاکین لازمه دارند اشجار کمی و چند نفر نخل بی‌ثمر در قلعه دیده
میشود و باغات اطراف بقدر کفایت اهالی میوه تابستانی مختصر موجود است آب نوبندگان
از چشمه نهر حسن است و گوارا هوای آن گرم و سالم مردمانش آرام و اصل قلعه تمیز و خانهای
عالی دارند مرکبات و تنباکو معمول شلتوک و صیفی آن مرغوب است آهنگری آن خاصه
شش پرسازی خالی از اهمیت نیست اهل قلعه سادات و عام میباشند انگور دیمی و پیوند
بادام کوهی آن در توج بسیار خوب میشود و کلیه این کوه تمام درخت و با منفعت است
ملای معروف ندارند نوکر دیوانی نمیدهند راه کالسکه از نوبندگان بداراب از
طرف دوازده چاه است که آب مختصری در چاهها یافت شود و در تابستان میخشکد و از
پشت باغات نوبندگان بطرف مغرب جنوبی جدا میشود و باید این راه هم تا قریه بهادران
داراب تعمیر نمود و از دوازده چاه میرود و به تنگ نارک وارد و تا دوان میشود و کلیه از نوبندگان
الی دوان تنگ فرپنک و آبادی و آب جز چند چاه شور ندارد و بجهة اردو مناسب نیست پس
باید کالسکه‌ها را از راه مزبور خالی روانه نمود و از طرف ششده و قرابلاغ کوه بداراب
بداراب روند و در منزل حسن آباد چهار فرسنگی داراب کالسکه‌ها از ماه دوان که یک

فرسنگ فاصله دارد باردو ملحق شوند و مخارج تعمیر راه از نوبندگان الی ماه دوان مبلغ
ششصد و پنجاه تومان است در این صورت راه ششده و داراب کوه الی حسن آباد
خالصه داراب تعمیری و خرج راه سازی منظور نمیشود و چون ابدا از گردنه و تنگه داراب کوه
عبور کالسکه امکان ندارد و باید با اسب و تخت حرکت فرمایند و برای آنکه در
این نقاط بتوان سیورسات حاضر نمود ملخ در حدود نوبندگان خرابی کلی وارد
آورده حتی برگ ترپایک را هم خورده است خداوند ترحم فرماید

منزل هشتم

منزل هشتم اردوی مبارک قریه ششده است فاصله نوبندگان و ششده سه فرسنگ
کسری است پس از حرکت از منزل راه در امتداد شمال شرقی است و تا یک فرسنگ
از کنار جلگه زراعتی نوبندگان و گیجان میگذرد و آب موجود است و قلعه گیجان
در آخر جلگه پدید شود و پس از ربع فرسنگ بدره رسند معروف بتنگ موردی و از
از دامنه کوهسار شود و از بغله سنگلاخی باید عبور نمود و قلعه و آبادی موردی در
وسط واقع شده و رودخانه و سیل موردی که آب آن بجلگه نوبندگان میرود و از این
محل جاریست و همه جا الی جلگه ششده همراه است طول این تنگه قریب یکفرسنگ بعد

جلگه شده که شش فرسخ طول و دو فرسخ عرض آنست نمایان گردد و از آخر تنگه الی خود
قریه قریب یکفرسنگ فاصله است دور جلگه شده بکوهستان تودرج و قلاع محصور است
خیلی محل باشکوهی است شکار از چند و کبک و بزغاله در بیری پلازن و در تنگه کبک وافر است
هوای اینجا گرم و سالم است شده قریه ایست مشتمل بر چهار صد خانوار رعیت بومی و
چند باغ انگور و بادام درخت نخل و نفر هم یافت نشود مرکبات ندارند در کوه تودرج
رز پستان و بادام زیاد عمل آورده اند زراعت اینجا غله و تریاک ولی امسال کلیه را ملخ
خورده است حمام ندارند قباکو معمول نیست شلتوک و صیفی ایشان بسیار خوب شود گوسفند
اینجا قریب پنجهزار راس ولیکن شتر ندارند آب مشروب از قنات گوارا این جلگه محل اردو
شایسته است این قریه و سایر قرا جلگه الی قرابلاغ جزء خاک فسا میباشد

منزل نهم

منزل نهم اردوی مبارک قریه داراکوه جزء قره بلاغ و آخر فساست فاصله مابین
این دو منزل سه فرسخ و نیم است پس از حرکت از شده راه در ابتدا جنوب شرقی است
و کلیه در جلگه سطح صاف و همواری است که اول آن شده و وسط آن قره بلاغ و آخر
آن داراکوه است و از کنار زراعت آبی و دیمی چاهی معمولی دهات مرقومه ذیل عبور میشود

دالبا زمین بی زراعت دیده میشود این جلگه محدود است بکوههای درختی شمالا و کوه قلات
و چنگ سفید جنوبا و کوه گنبدان که محبس اسفندیار بوده است شرقا و بسیار محل با
شکوهی است درخت درین جلگه کمتر یافت شود آبادیهای آن که قریه و قلعه است
و جزء شده محسوب شوند محمود آباد و حسن آباد و اسمعیل آباد است که بفاصله
نیم فرسنگ از یکدیگر دور باشند و بقدری آباد اند که حد ندارد و تمام این جلگه را زراعت
تریاک است ولی حیف که امسال زراعت و تریاک را ملخ خورده است پس از گذشتن
از شده به بلوک قرابلاغ رسیدند که تمام آنها با چاه زراعت نمایند و محل نشیمن ایل
اینالو است رئیس آنها عباسعلیخان و الله شاه نظرخان و یکهزار و دویست خانوار ازو
کانه این ایل سپرده باو میباشد ایلات خاکی آنها جزء فساست و بادی آنها جزء ایلات
خمسه است قرابلاغ چشمه ایست که آب مختصری دارد و اطراف آن نی زار شده
بواسطه کودی بین اراضی کمتر نشینند بزراعت این نقطه اگر خسارت نمیرسید بی
اندازه فایده داشتند پس از گذشتن از قرابلاغ کم کم جلگه مزبور باتمام میرسد
تنگ داراکوه نمایان گردد و پس از یکفرسنگ قریه و قلعه داراکوه پدید شود که پنجاه
خانوار رعیت بومی دارد اشجار مختصری از میوه از قبیل خیار و توت و چند اصله بید

و زرند کی آبادی دیده میشود و خورده مالک است زراعت تنباکو ندارند حرفه ایلیات کوه قاچی
بافی و گوسفند زیاد دارند غیر از سرکرده احدی شتر ندارد و شکار کوه کبک و پلنگ و بز
و پازن در این حدود و خوک در نیزار فراوان است هوای این حدود بسیار گرم و باد
سوزند میوزد و مردی الله وردی نام از اهالی آنجا دیده شد که یکصد و بیست سال دارد و بخوبی
حرکت میکند و هنوز چشمهای آن بینا و میخواند محل اردو در داراکوه در جلو جلگه و تنگه واقع شده
که آب آن از قنات شیرین و زمین آن چمن و خالی از صفا نیست درین نقطه نیز همه نوع شکار دیده
میشود

منزل دهم

منزل دهم اردوی مبارک حسن آباد است حسن آباد خالصه دیوان اعلی است و جزو
فسا و خاک دارابست فاصله حسن آباد و داراکوه از راه گردنه سه فرسنگ و نیم
راه آن در امتداد مشرق جنوبی است پس از حرکت از داراکوه بلافاصله شروع میشود
به گردنه کوه و سنگلاخ و سرازیری سخت و تنگه عظیم و گردنه پیچ پیچ که حرکت از آن خیلی مشکل است
و تا یک فرسنگ نشیب فراز در امتداد منحنی های کوه و جنگل باید عبور نمود و پس از آن
شروع میشود به گردنه و سرازیری جلگه کنارستان داراب نمایان میشود و قریب یک فرسنگ
تا حسن آباد درین کنار رودخانه حرکت میشود و ابدا آب در تمام مسافت نیست و کوهسار خم و

داراکوه در فاصله کم همین بیشه زار جا و داست و شکار کوه از هر قبیل در آن فراوانست
پس از آنکه وارد جلگه کنارستان شوند قلعه ها و دوازده راه و دوازده چاه که کالسکه ها [illegible]
نمایان میشود این جلگه اول خاک داراب خیلی طولانی است و با صفا و محل نشیمن یک شعبه
ایل مپسنی است که کلانتر آنها قاید حسن و قریب پنجاه خانوار ایل چادرنشین در اطراف
دارد و قلعه حسن آباد خرابه رعیت آن همین ایل مزبور است زراعت آنها غله و برنج
و شلتوک و صیفی است آنها زیاد و فراوان است آب محل اردو از قنات شیرین و گوارا است
از این محل تا قلعه داراب چهار فرسنگ است هوای آن بسیار گرم و پشه و کیکش زیاد
دارد ولی در زمستان بسیار خوش هوا و پر علف است و محل اردو در اسناب
معدن نمک هفت رنگ و معدن مومیایی معروف در کوهسار شمالی و جنوبی میباشد اشجار
آبی و میوه جات و نخل ندارند فقط اشجار جنگلی و بنه کنار و مورد زیاد است زراعت
غله این حدود را تمام ملخ خورده است تنباکو نیز زیاد دارند ولی مرغوب نیست شکار این
جلگه دراج فراوان و گاهی آهو دیده میشود جلگه حسن آباد که مشرف بجلگه داراب است
بسیار با صفاست

منزل یازدهم



منزل یازدهم اردوی مبارک شهر داراب است فاصله مابین حسن آباد و داراب چهار
فرسخ است راه آن در امتداد مشرق است پس از حرکت از منزل قریب نیم فرسنگ
از صحرائی میگذرد که زراعت خود حسن آباد است و سایر دهات خالصه است و بعد از آن
وارد جلگه وسیعی میشود که اشجار جنگلی کنار و بید است و آبهای جاری زیاد در آن دیده میشود
فاصله آن تا کوه شمالی خم ربع فرسنگ است شکار کوهی و دشتی و دراج در این امتداد
بسیار یافت شود قلعه خرابه و زراعت منصورآباد در عرض راه دیده میشود این نقطه
محل نشیمن ایلات مسینی و اینانلو است پس از نیم فرسنگ رودخانه چشمه گلابی که بلافاصله
از زیر کوه بیرون می آید عبره میشود و بفاصله اندک رود شور قطع میشود و ربع فرسنگ
فاصله دیگر رود شاهیجان پدید گردد و پس از آن سیل رود بزرگ رود بال شاه دیده میشود
که از تنگ شبانر می آید و آب آن تمام جلگه داراب رود و عبور از این رودها
هیچوقت پل حاجت نباشد و پس از اندک مسافتی بقعه امامزاده حسین ابن امام علی
النقی علیهما السلام که معروف به پیر مراد است در جنب کوه بالش نمایان میشود دهات
ذیل نادوان و بربویه و دولت آباد و مزرعه خشم اینانلو و تیزاب
و شمس آباد و میخه گورستان و نجاجرد و برگون و قلعه دحیا که اصل داراب گرد

وقلعه

و قلعه حسی بفاصله های کم در یمین و یسار راه واقع اند و تمام این جلگه علف زار
و کنار پستان و اشجار جنگلی مختلف و انهار زیاد در آن دیده میشود و شکار و دراج در آن
زیاد و خیلی باصفاست در کوه بالش اشجار انجیر و بادام و انگور زیاد بعمل آورده اند
که در این چند ده از زراعت و غیره اثری نگذارده است و حال هم مشغول است
در نزدیکی رود چشمه گلابی نرگس زیاد طبیعی روئیده است و حال که اوایل جوزا است
خشک شده اند پس از حرکت از امامزاده مزبور بطرف شهر جاده از وسط زراعتهای
مختلفه شهر داراب میگذرد و تا بقریه دو گونی در یمی رسند و از آنجا اول محلات شهر
داراب است و باغات نمایان گردد شهر داراب واقع شده است در جلگه وسیع ممتد
که بکوههای قدمگاه و کوه دور کوه برف بردان محدود شده است خانه های آن
بدون قلعه و قریب یکهزار و هفتصد باب الی غیرعالی و دویست و پنجاه باب دکاکین
متفرقه مختلفه و دو کاروانسرا و پنج مسجد و چهار حمام و باغات زیاد و شجر باصفا در
اطراف شهر و وسط خانها مشاهده میشود که دارای اشجار گرمسیری مرکبات ممتاز و
لیموی آب فراوان و میوه جات سردسیری مرغوب چون اپشنا میباشد و جناب
قوام الملک در شمال شهر قلعه و باغاتی بنا نموده اند که مشتمل بر عمارات حکومتی و

نوکر دیوانی و توپخانه و اصطبل و حمام و انبار و غیره است و از قنات معروف کبوتر
مشروب میشود و بعد از بنای این عمارت شهر داراب مزین شده و قبل از آن منزلی بجهة
نوکر دیوانی و غیره در شهر نبوده است شکار کوه از بز و میش و بز پادزهری و دراج و کبک
در زیر دست شهر فراوانست امسال تمام زراعت آن جنس و در ملخ خورده است که اکثری
از گیاه نگذاشته و بقول خودشان کم نموده است ملخ در باغی هم تمام برگ اشجار جنگلی و
بسیاری از اشجار تربیت شده کوه و اکثری از فالیزها را تمام نموده است از همه اینها بدتر
حیوان پس نیاد ترا از ملخ و به بقیه مشغول است در حدود داراب علامات قدیمه بسیار
یافت شود از جمله قلعه قدیم مدور داراب جرد است که حال بقلعه دحیا معروف است
ولی از بناهای داراب کیانی است و بقدر نیم سنگ و نیمی شهر است که کوه مجردی را محیط
بقلعه خاکی و خندق عظیم عریض پیرامون که حال هم آب دارد نموده اند و دوره این
محیط مدور بقدر نیم سنگ است مقبره دحیه کلبی معروف که بنیابت از جانب حضرت مجتبی
علیه السلام مامور داراب بوده اند در قریه جمبی است که نزدیک قلعه واقع شده است
دیگر از علامات تصویر نقش داراب است که هم در نیم فرسنگی شهر در کنار چشمه بزرگی که از
کوه خارج شود جاری نموده اند ایوانی بطول ده ذرع و بارتفاع پنج ذرع و قطر دو ذرع



از سنگ تراشیده شده تصویر داراب با لباس حرب و اسب زره پوش سوار و نیم تنه
بیست و چهار نفر پیاده و یک نفر که جلو اسب ایستاده و معروفست قیصر روم است و یک نفر
شخص با کلاه فرنگی در زیر پای اسب افتاده و بحالت تظلم میباشد نقش شده ولی مردمان بی
تربیت اغلب این صور را هدف گلوله نموده اند و بسیاری از چهره ها را محو نموده اند که کمتر
تشخیص میشود یکی از آثار غریبه داراب مسجدیست که گویا سابق آتشکده بوده در دامنه
کوه جنوبی داراب و نزدیک خیرآباد و جناب قوام الملک که یک فرسنگی شهر است از
سنگ تراشیده اند و تمام آن را از کوه کنده اند عبارتست از چهار صفه و چهار شاه نشین و
دو محراب در طول پانزده ذرع و عرض پانزده ذرع و ارتفاع ده ذرع راه روها و ستونها
و دالان و سقف ها کلیه یکپارچه است که از سنگ خاره بریده اند ولی تاریخ بنای
آن معلوم نیست و اتابک سعد در زمان خود در سنه ششصد و پنجاه و دو جلو در آن حوض را
بنا و کار حجاری نموده
دیگر آنکه یک باب طاحونه و دو تنوره جنب آن بنا و پانصد ذرع مجرای آب و دوازده چاه
که زیاده از ده ذرع عمق دارند تمام اینها را از سنگ خاره تراشیده اند و آثار بنای
ابد انداز و حال قوام الملک این طاحونه را دایر نموده و قنات آن را اصلاح نموده و بجهة

مزرعهٔ خیرآباد خود میرود در جلو این آسیا آثار نهر سنگ و ساروجی در دامنهٔ کوه نمایانست
که الی یکفرسنگ و کثری ممتد است و بقلعهٔ رابعه و شهر خبت قدیم آب میبرده اند که حالا
خرابهای آن بعضی باقیست و حقیقت آنستکه این قبیل آثار محل حیرت است

پس از آنکه کالسکه ها از جهت دوازده چاه بکلکه ها دوان و حسن آباد رسیده باید از متد
حسن آباد و رود داراب از صحرای کنار زار و از روی نهرها و خود رودخانهای کوره فوق
بگذرد در چهار فرسنگ مسافت کلیه از پل سازی و نهر سازی و سنگ برچینی و اصلاح
راه و قطع اشجار بر روی هم مبلغ پانصد تومان مخارج دارد در شهر داراب بیست خانوار
یهودی ساکن هستند

منزل دوازدهم

منزل دوازدهم اردوی مبارک قریهٔ دولت آباد و بهادران است قریهٔ بهادران ملکی
جناب قوام الملک است و آخر قرا و خاک داراب و جزء فسارود است فاصله
شهر و بهادران چهار فرسنگ است راه آن در امتداد مغرب جنوبی است پس از حرکت
از شهر راه در امتداد نهر و زراعتهای مختلفه حومه و زراعت قرای سابق الذکر است
تا بقریهٔ برگون رسیده و این نقطه اول کنار پستان است که بدامنهٔ کوه باش وصل

شود و جزء بلوک رودبال پس از یکفرسنگ و نیم بقریهٔ نجاجرد که نخلستان دارد میرسند
بعد قلعه و زراعت شمس آباد دیده میشود که نخلستان مختصری دارد شکار این جلگه آهو
و خوک و دراج بادی است از این نقطه قلعه دهجا خوب نمایانست و در تمام راهها
آبهای جاری دیده میشود راه کالسکه از داراب الی دولت آباد و بهادران باید تعمیر شود
که عبارت باشد از عریض نمودن مرز اراضی و پلهای کوچک روی نهرهای عمیق و برچیدن
سنگ راهها و مبلغ دویست و پنجاه تومان خرج دارد و پس از حرکت از شمس آباد
نهر راه بطرف جنوب غربیست و از میان زراعتها میگذرد و تا بهادران دو فرسنگ است
و بعد چمنی وسیع دیده میشود که ابدا پست و بلندی ندارد و محل نشیمن ایلات بهارلو
و خانه ریجان خان است و پس از ربع فرسنگ بامتداد رود شور و کلابی رسیده که بلوک
خسو رود و بعد قلعهٔ بهادران دولت آباد دیده میشود بهادران قریه و قلعه ایست که قریب
پنجاه خانوار رعیت دارد و آب آن از چشمهٔ معروف بیادگوار او شیرین باغی در جلو قلعه است
که دارای نخل و مرکبات سوای لیموی آب و انار و انجیر و کمی میوه جات تابستانی است
حمام و آسیا ندارند غیر از این تفصیل چیزی معلوم نشد شکار آن در کوه سمت بیلاق
معروف به درنگانه کبک و قوچ و بازن یافت میشود دهات غیاثی و مادوان و دولت آباد

در اطراف آبادی کمی اشجار نخل نمایان اند زراعت آن جو و غله و تنباکو و خرما کوت از این
نقطه راه بطرف جهرم سه شعبه شود یکی معاودت بگردنه دارالکوه است و برگشتن بشده و
غیره یعنی اینکه آمدن مراجعت نمایند درین صورت باید کالسکه ها از راه دوازده چاه که سابق فی
السابق برگردند و در نوبندگان باردو ملحق شوند و از آنجا به نصیرآباد و بعد جهرم و راه دیگر نصیرآباد
بنوبندگان را با مبلغ ششصد تومان باید تعمیر نمود یکی دیگر راه خود دوازده چاه است
که کلیه اردو با کالسکه ازین راه بروند ولی چون این راه در نه فرسخ آب ندارد بجهت اردو
مناسب نیست فقط کالسکه ها باید خالی از این راه حرکت نمایند و آب چاپها فراغت
کنند یکی دیگر راه معروف بگردنه قلب است که بنصیرآباد روند درین صورت هم
کالسکه ها باید لزوما از طرف دوازده چاه در حرکت آیند و اردو از طرف گردنه قلب
حرکت فرماید و در نصیرآباد کالسکه ها از طرف نوبندگان در صورت تعمیر راه
باردو ملحق شوند

منزل سیزدهم

منزل سیزدهم اردوی مبارک نصیرآباد است فاصله این دو منزل یعنی از جهادران
بنصیرآباد از گردنه قلب هشت فرسخ است راه آن تقریبا در جهت مابین مغرب و جنوب است



در این راه آب ابدا یافت نشود و ناچار باید هشت فرسخ راه یکدفعه پیموده گردد آنکه در زمستان بعضی
چشمه سارها کمی آب شور دارد پس از حرکت از نصیرآباد از وضع راه و در مسافت اندک جلگه صاف
و مسطح است الی یک فرسنگ و نیم و بعد راه از دره ایست که پر سنگلاخ است و از ما بین
دو رشته کوه و دامان کوه و چالش میگذرد و کم کم آثار جنگل پدید شود و پس از یک فرسنگ
دامنه و گردنه معروف بقلب نمایان شود و از دامنه شرقی الی دامنه غربی یک فرسنگ و خود
گردنه بسیار سخت ولی با زحمت روان عبور ممکن است در این کوهسار جنگلی بشکار کوهی
بندرت و گاهی پلنگ یافت شود و پس از گذشتن از گردنه باز کمی از راه تقریبا دو فرسنگ
مسطح است و از ماهورها و صحرای جنگلی عبور میشود تا به نزدیکی تل گور رسد و این نقطه هم خیلی
سخت و از روی سنگهای سخت بغله باید عبور کرد و جنگل بین اینجا خیلی انبوه است و در زمستان
این حدود قشلاق ایلات عرب است پس از آن جلگه صاف مسطحی نمایان شود که خاک فسا و الی نصیرآباد
امتی ندارد و کوهسار قلعه طبر معروف از چهار فرسخی نمایان است که پنجاه نفر سرباز فوج کمره
مستحفظ هستند نصیرآباد ملک وکیل فسا قریه ایست بزرگ ولی زلزله خانه های او را در سنه
ماضیه بکلی ویران نموده و دارای یکصد خانوار رعیت و باغات آن نخیل و انار و هوای
بسیار گرم زراعت آن غله و تنباکو و پنبه و فالیز است و بسیار خوب شود و آب آن از دو

رشته قنات گوارا و دو انبارها چاه شور کم آب حمام خرابه واقعند در قریه برای احدی منزل
یافت نشود و محل اردو در سمت شمال قریه و سمت جنوبست از این نقطه بفاصله پنج فرسنگ بجهرم
هفت فرسنگ است از منزل بهادران که حرکت شود دهات ملکی قوام الملک است
از قبیل عباسی و دولت آباد و بادوان و فیض آباد و در عرض راه قبل از تنگه قلب دیده
شود و بعد الی نصیرآباد ابتدا قریه و آب آبادی محفوظ شود در محاذات نصیرآباد قرای
زاهدان و خرنجون نمایان هستند شکار این جلگه آهو و در جنگل عرض راه قوچ و میش
و کبک موجود است از این راه قافله حرکت کنند ولی بسیار امن است در نصیرآباد
طاحونه نیست گندم و جو خود را دست آسیا کنند نوع خرمای آن بسیار خوب امسال کمی
از تریاک و غله آنرا ملخ خورده است ولیکن حاصل آن باز بسیار زیاد است اگر بخواهیم این
راه گردنه را که شرح آن ذکر شد بجهة کالسکه تعمیر نمائیم فقط در مدت یکسال و با مبلغ
دو هزار و دویست تومان خرج اصلاح شود که بیشتر آن محل آب ولی گاری است ولی
ابتدا جاری نیست باید براه دوازده چاه قناعت نمود

منزل چهاردهم

منزل چهاردهم از اردوی مبارک بابا عرب است قریه بابا عرب ملکی حاجی میرزا محمد حکیم باشی

و مسیح الملک است و خرخاک جهرم فاصله این دو منزل سه فرسنگ تمام است
راه آن اول بجنوب و بعد جنوب غربی و بعد غربی است وضع راه بجهت
حرکت کالسکه بسیار خوبست و مسطح مگر آنکه در حوالی آبادی نصیرآباد و بابا عرب
بجهة جلو نهرها و ما بین مزارع ده باب پل مختصری تعمیر جداول و مرزها باید بشود و
مخارج آن یکصد و پنجاه تومان است پس از حرکت از نصیرآباد و قرب یکفرسنگ
راه در ابتدا در زراعتهای مختلفه است و بعد الی یکفرسنگ و نیم در صحرای
صاف مسطح بی سنگ و مانعی است و بعد از ما بین زراعتهای دهات کوشک
و تمیره و چهارطاقی و بادوان که در بین پیاده راه اند حرکت میشود در تمام
این مسافت چند آب قنات و چشمه دیده میشود که اکثر آنها غیر مشروبست کوهستان
قلعه طبر و البرز کوه کیقباد در طرف یسار بفاصله نیم فرسنگ نمودارند در طرف
یمین از تپه و ماهور قلیلی عبور واقع میشود در قریه چهارطاقی روی تل آتشکده
مختصری ساخته اند که چندان اهمیت ندارد و بعد مقبره نموده اند شکار این
جلگه آهو و کبک و تیهو فراوانست اهالی دهات باصطلاح بومه در این حدود در زیر
چادر سکنی دارند هوای بابا عرب بسیار گرم است این قریه مشتمل است بر قلعه

جدید که بعد از زلزله تعمیر نموده‌اند چهل خانوار رعیت بومی دارد حمام ندارند آسیا بزرگی
دایر است قریب کفیر از نخیل در حوالی قلعه غرس نموده‌اند غیر از ان اشجاری نیست زراعت
آنها غله و تریاک و تنباکوی متوسط است ملخ انجا را کمتر اذیت رسانیده است نهر آسیایی
بزرگ که قریب سه سنگ است از جلو آبادی جاری و بقطب آباد جناب قوام الملک میریزد
و این محل اردو شایسته است از این نقطه بجهرم چهار فرسنگ است سرباز از مستحفظ قلعه
از این قریه آذوقه حمل نمایند

منزل پانزدهم

منزل پانزدهم اردوی مبارک شهر جهرم است فاصله ما بین باباعرب و جهرم چهار فرسنگ
راه آن در ابتدا مغرب و مغرب جنوبی و جنوبیت وضع راه پس از حرکت از منزل
قریب یک فرسنگ در کنار نهر و زراعتهای مختلفه دهات تا برودی رسند معروف
برودشور که قریب دویست ذرع عرض سیل آن و آب کمی دارد و هر قدر زیاد شود
پلی لازم نخواهد بود و در اطراف آن نی و گز زیاد روییده است و محل شکار دراج و
خوک است کبک هم دارد و این رود همان است که از تنگ کرم فسا می‌آید که شرح آن در فسا
عرض شده پس از حرکت از رود راه در ابتدا جلگه است که سنگلاخ و ماهور باشد و

اثر

فراز نشیب و در کنار راه اشجار کنار دیده میشود و قصر ابو قلعه چم و ده زیر و قراولان
وحید رآباد و حاجی آباد در یمین و یسار راه دیده میشود و ابدا آبی در این راه
ملاحظه نشد و تا شهر جهرم همین قسم است در کفه سنگی جهرم آثار باغات و نخلستان و
زراعت دیم بظهور رسید تا وارد شهر شوند حرکت کالسکه را مانعی نیست مگر آنکه باید از
طرف باباعرب در رودشور و نزدیکی جهرم چند پل کوچک بسته شود و کنار نهرها اصلاح
گردد و سنگ راه برچیده شود و مبلغ یکصد و هفتاد تومان خرج دارد و شکار این جلگه
والبرز و ده زیر که در یمین و یسار راه واقع شده‌اند دراج و کبک و پازن یافت
شود و کوه طرف یسار که جهرم در پای آن واقع شده بسیار سخت و جنگلی و معروف است
منزل کیقباد و کیانی بوده در جنوب این کوه بفاصله نیم فرسنگ آثار سخت و ابنیه از
گچ نمودار است که خراب شده کوه طرف جهرم رشته و شعبه از البرز است شهر جهرم
از بلدان قدیمه فارس و بعد از بوشهر از جهرم شهری بزرگتر دیده نشده بلکه از کازرون
و آباده و بهبهان و فسا و داراب و لار و غیره از همه شهر تمیز تر است و آباد و در جلگه
کنار کوه البرز واقع شده که طرف مشرق و شمال آن این کوه است و طرف مغرب آن
بکوه گرم اتصال دارد و هوای آن بسیار گرم و دارای نخلستان زیاد مرغوب است

که تقریبا سی هزار نخل شماره شده اشجار مرکبات از قبیل لیموی آب و انار و انجیر و
سایر میوه جات تابستانی در خانها و باغات دور شهر فراوان است برف در چاه های
البرز ممکن است ولی در حفظ آن مسامحه می کنند آب جاری در شهر و اطراف نیست تمام
خانه ها از چاه و برکه های آب باران مشروب شود و کلیه زراعت غله و تنباکو و صیفی
آن و نخلستان و غیره را از چاه آب معمولی می کشند در نزدیکی شهر بعضی از مزارع دارند
معروف به بساتین که آب جاری دارد ولی نه زیاد شهر جهرم عبارت از دوازده محله است
که شش محله آن خارج قلعه شهر و جمیع لوازم خود را از حمام و دکاکین و باغات و مسجد دارند
و کمتر بشهر احتیاج خواهند داشت و شش محله دیگر آن در قلعه کهنه مخروبه محصور است
که مرحوم محمد حسنخان جهرمی بنا کرده است و چهار دروازه دارد کلیه خانهای آن از
خارج و داخل قریب شش هزار باب است کوچه های آن وسیع و عمارات عالیه دارد
ولی بواسطه بی آبی تمیز نیست دوازده باب حمام و چهار مدرسه که یکی سرباز خانه شده
و چهار باب کاروانسرای تجارتی عالی و قریب یکهزار باب دکاکین متفرقه لازمه دارند غالب
با آجر مسقف است درخت کنار در این شهر باندازه چنار شود جماعتی از یهود و قریب پنجاه نوار
در این شهر به پیله وری مشغول میباشند مردمان این شهر آرام و اغلب متمول و زراعت

انها غله و خرمای آن یعنی شاهانی و رطب آن معروف و تنباکوی جهرم خاصه مزرعه باکون
ممتاز و اعلاست مرکبات جهرم باطراف حمل شود و تریاک و پنبه آنهم بسیار مرغوب میشود
چند امامزاده در شهر جهرم با بقاع عالی دیده شده که از همه معروف تر مشهور بشاه شاهان است
و بست محترم جهرم است از هر قبیل متاعی در جهرم یافت شود و اکثر از بندر عسلو و عباسی
حمل شود حاجی میرزا کریم صراف شیرازی در این شهر علاقه کلی و در اطراف دهات و مزارع خوب
دارد بازار آجری و کاروانسرای و حمام معروف جهرم را با بسیاری از نخیل مالک است
در فسا و داراب و جهرم پستخانه دولتی که قاصد حمل کاغذ و امانت می کند دایر است یکصد نفر
سرباز دولتی همیشه در جهرم توقف دارند و اسپال از فوج کمره است اهل جهرم اغلبی
دارای فضایل اند علامات قدیمه در جهرم جز چند باب چهار طاقی روی تپه ها که مذکور است
آتشکده بوده و اهمیتی ندارد و آثار مذکوره کوه البرز چیز دیگری نیست قیر و کارزین جزء این
حکومت است ملای معروفی جز شیخ الاسلام معمولی ندارد حاجی میرزا محمد علی جهرمی
در چند سال قبل فوت شده و شخص بی نظیری بوده است اعلی الله مقامه فاصله
شیراز و جهرم از طرف خفر و کوار سی فرسنگ است ولیکن از طرف فسا چهل فرسخ است
مالیات آن قریب بیست و پنجهزار تومان است نخلستان اطراف جهرم قریب سه فرسنگ

طول دو فرسنگ عرض دارد و مع بعضی از مزارع جهرم را خورده ولی نه چندان که اذیت بآن رسانیده باشد دهات مع خورده از قرار ذیل است

حیدرآباد ده زیر دولت آباد مه کرد ابدالان برموج کوشک

مدرسه معروف بمدرسه خان را از طلاب گرفته اند و سربازخانه دولتی است و باید انشاءالله محض دعاگوئی ذات بیزوال اقدس ظل اللهی ارواح العالمین فداه سربازخانه کوچکی درین شهر ساخته شود و خرج آن زیاده از پانصد تومان نیست ده نفر تفنگچی در جهرم همیشه مشغول خدمت و حرکت پسته میباشند و اغلب آنها در کاروانسرای موخک حاضر خدمت میباشند

منزل شانزدهم

منزل شانزدهم اردوی مبارک کاروانسرای موخک است فاصله مابین موخک و شهر جهرم پنج فرسنگ است راه آن در ابتدا شمال و شمال غربی است پس از حرکت از جهرم نیم فرسنگ فاصله باغات و بساتین جهرم که آبهای جاری دارد و اشجار مختلف غیر از نخیل هم دارد میرسند که هوای آنجا خالی از لطافت نیست و قریب یک فرسنگ شرقی غربی و نیم فرسنگ شمال جنوبی طول و عرض این بساتین و زراعت و هم حدود آن است

رود شور سابق هم از وسط این جلگه بپائین میگذرد و حاجت پل ندارد قلعه حیدرآباد و باغات آن در طرف مشرق نمایان است و بعد از دو فرسنگ دیگر در طرف مغرب در دامنه تپه و ماهور قلعه و مزرعه دیم گار کلدامچه ملکی حاجی میرزا کریم صراف واقع شده که اندک آبی و شصت خانوار رعیت دارد و زراعت آن فقط غله دیم است و اشجار هم ندارد پس از آن راه در ابتدا و ماهوری است که از دامنه های کوه گرم محسوب و کم کم آثار جنگل پدید شود و آب ندارد تا وارد موخک شود و کلیه این راه به اندازه سنگلاخ که مال از رفتار باز ماند و سه نقطه سنگ سختی دارد که عبور کالسکه را مانع شود و هم مخارج برداشتن سنگ از وسط راه است و جملتان در سه فرسخ چهارصد تومان است و آب و علف جات با نهایت صعوبت حمل شود و شکار این جلگه در کوهسار و دامنه کوه کبک و کمی دراج و در کوه بز قادر هم بازین یافت شود و پلنگ نیز گاهی دیده شده است کاروانسرای موخک از ابنیه صفویه است و خراب شده و قریب پانصد تومان خرج تعمیر دارد و چون در این حدود منزلگاه نیست از الزم امور است آب این مکان چند چشمه ناگوار و دو آب انبار که به برکه معروف است و تجدید دارد و خیلی مکان با عسرت و ناشایسته است و چاه هم ندارد ده نفر تفنگچی در این مکان مشغول حفظ طرق و حامل پسته میباشند این کاروانسرا در تنگه واقع شده

که دامنه کوه جنگلی گرم است و بسیار گرم و پشه زیاد دارد که در تابستان آسایش ممکن نیست
خاک جهرم تا دو فرسنخ بعد است

منزل هفدهم

منزل هفدهم اردوی مبارک فتح آباد است فتح آباد ملکی جناب صاحب دیوان
و جزو بلوک خفر است فاصله ما بین موخک و فتح آباد سه فرسنگ و نیم راه آن
در امتداد شمال غربیست از ابتدای منزل الی آخر آب وجود ندارد و پس از حرکت از
موخک قریب نیم فرسنگ در امتداد دامنه و ماهور کوه گرم و جنگل سابق باید حرکت
نمود و این قطعه راه پر سنگلاخیست بسیار سخت و پس از آن الی دو فرسنگ و نیم
در امتداد جلگه مسطحی است که تک تک اشجار جنگلی در آن یافت شود و کمی سنگ در
راه دیده شود و بندرت نشیب و فرازی مشهود شود و از اینجا خاک جهرم تمام و
بخاک خفر شروع شود حرکت عراده را چندان مانعی نیست و از اطراف ابداً آثار
آبادی مشاهده نشود تا بقلعه فتح آباد رسند مخارج اصلاح راه کلیه یکصد تومان است
فتح آباد قلعه ایست جدید البنا که جناب صاحب دیوان بنا نموده اند و سی خانوار
رعیت دارد و از آب رود قراقاج که از کوار می آید مشروب شود و جز باغ مختصر

مرکبات که هنوز درختهای آن کوچک اند دیگر اشجاری ندارد در کنار آبادی بفاصله
کمی رود معروف بقراقاج ملاحظه میشود که در نهایت گوارندگی جاریست و ماهیهای
بزرگ در این رود یافت شود و راه از کنار رود است و حاجت بعبور از رود نیست
قریه تادوان که نیز ملک جناب صاحب دیوان در سمت غربی رود واقع شده
مشتمل بر یکصد و پنجاه خانوار رعیت و باغات مثمر مرکبات و نخیل و انار و انجیر و
بادام و غیره که خیلی آباد با شکوهی است دیده نمیشود در این دو آبادی هیچکدام
مسجد و حمام و طاحونه ندارند در محل تادوان آثار خرابهای قدیم که دلالت بر
آبادی معتبری میکند بسیار دیده میشود و چند چهار طاقی که معروفست آتشکده بوده
در این آبادیها قیمت شکار این جلگه و کنار رود کبک زیاد و آهو و قوچ و میش و
خوک زیاد است مرغابی نیز فراوان در رود مزبور از حد خانه زنیان راه بوشهر
بسمت کوار و بند بهمن می آید و از آنجا ببلوک میرسد و از خفر و همین فتح آباد گذشته
بقیر و کارزین میرود و فاضل آن بگرمسیرات و از آنجا بخلیج فارس میریزد

منزل هجدهم

منزل هجدهم اردوی مبارک باباانار است قریه باباانار جزو بلوک خفر است

ودر دامنه کوه واقع شده وبسیار محل باصفائی است فاصله مابین فسنج آباد وباب انار چهار فرسخست وضع راه پس از حرکت از فسنج آباد قریب نیم فرسنگ در امتداد شمال سیر میکنند وپس از گذشتن از پوزه کوه تا دوان محل قراولخانه وبرجی میرسد که چند نفر اهل تا دوان در آن مشغول حراست هستند وبعد راه روبطرف مغرب شمالی است تا نیم فرسنگ دیگر تمام راه مسطح است ولی سنگلاخ وباید بجهة عبور کالسکه رچینه وبعد رودی وسیع معروف بشور که از تنگه سروستان وخانه کهدان می آید نمایان شود که از شمال بجنوب جاری است ووارد رود قراقاج شود که شرح آن سابق عرض شده ودر نشیب وفراز این رود اندک تعمیری لازم وباید ساخته شود ولی حاجت پل ندارد دهات خانه کهدان وچرک وجلال آباد درسمت یمین جاده نمایان شوند که بنوباب نصیر الدوله است وپس از آن از کنار زراعت های بیم آبی قریه معروف به آسمان گرد که ده مشجر آباد بسیار معتبر باصفائی است وملک ورثه مرحوم مشیر الملک است وارد رود شور شود ورود قراقاج درسمت یسار جاده از دامنه کوه معروف بسفیدار جاریست وکوه گر درسمت یمین بفاصله نیم فرسنگ همه جا همراه است وبعد از آنکه از حد آسمان گرد بگذرند کاروانسرای سنگی صفوی در کنار جاده نمایان شود که

مزرگاه قوافل رهستان است وبعد راه در امتداد شمال غربی است وکنار زراعتهای مختلفه این بلوک میگذرد وقرار دوپل از یمین ویسار رود قراقاج با نهایت شکوه خرمی که تمام جزء خفر است از دور بفاصله های نزدیک نمایان هستند

کل برجی	شرقی	سورد	غربی	کت	فشان	بیرزجان	صعاده
جزه	آباد شاپور	بالاشهر	مصلح	گراده	نعمت آباد	محمود آباد	علی آباد

وحرکت کالسکه را چندان مانعی نیست کم بستن دو باب پل روی نهرهای دهات وبرچیدن سنگهای جاده که خیلی زیاد است وکلیه مخارج اسپارزی از حد فسنج آباد والی شهر خفر وباب انار مبلغ دویست تومان است باب انار وشهر خفر دو آبادی مشجر معتبر بسیار باشکوه باصفا وخوش منظریست که بر روی هم دویست خانوار جمعیت ودو حمام ودو باب آسیا دارند وآب شروب وزراعت آنها از چشمه سارهای کوه سمت یمین که بکوه گرو بیت اللهی معروف میباشد اشجار نخیل ومرکبات وانگور ولیموی آب وانار وانجیر وسایر میوجات سردسیری وغیره در این نقطه وکلیه قراء وبلوک خفر زیاد وفراوان ودرنهایت مرغوبی است ودرحقیقت بلوک خفر نسبت ببلوکات فارس از هرحیث رجحان دارد

فاصله این دو آبادی تا رود قره اقاج که از دامنه کوه سفید ارمیکند رود برنج و سخت
محل اردو تا کنار رود میرسد شکار این جنگل و کوهسار مجاور آهو و کبک و تیهو و قوچ و بز و پازن
و پلنگ است شهر خفر ملکی حاجی عبد الحسین خان میرپنجه و باب الثار ملکی جناب قوام الملک
و دو آبادی متصل بیکدیگر است در حقیقت آبادیهای بلوک خفر از حیثیت اشجار و زراعت
در طول چار فرسنگ بیکدیگر پیوسته است زراعت آنها غله آبی و دیمی و شلتوک
و صیفی و میوه جات آنها باندازه زیاد است که گذشته از کفاف اهالی بخارج حمل شود
و مال التجاره است تریاک این بلوک بسیار ممتاز و زیاد است زراعت غله را امسال
زنگ زده است ولی ملخ اینجا نیامده است

منزل نوزدهم

منزل نوزدهم اردوی مبارک قریه اسمعیل خفر است اسمعیل آباد ملکی حاجی محمد مهدی میرزا
شاهرخی است و آخر بلوک خفر است این قریه در کنار رود قره اقاج و دامنه کوه سفید
واقعشده فاصله ما بین شهر خفر و اسمعیل آباد پنج فرسنگ است وضع راه پس از حرکت
از منزل و مبغز نیست و تا دو فرسنگ و نیم همه جا در جنگله و از ما بین دو کوهسار صعب
عبور میشود و کمی نشیب و فراز دارد تا محاذی تنگه بونه مهدی میرسد و از اول الی این نقطه

همه جا کالسکه تا جلو تنگه بسهولت حرکت کند و دهات جزء و آباد شاپور و بالا شهر
و علی آباد در سمت شمال رودخانه بفاصله اندک نمایان و قرار نعمت آباد و محمود آباد
در جنوب رود و نزدیک رود دامنه کوه سفید ارمرکی هستند از این نقطه راه دو شعبه میشود یکی
از پشت تنگه معروف براه بونه مهدی است و تقریبا کالسکه میکند رود و دیگری در دهانه
خلیج شمالی رود و از دامنه کوه و تپه های سخت و صعب جنگلی است که خالی از عسرت و زحمت
نیست تا وارد اسمعیل آباد گردند راه اول که مگر وارد اسمعیل آباد نمیشود و فقط باید کالسکه ها
از آنجا فقط سیر داد تا بقریه آباده کوار رسد و مسیر آن چهار فرسنگ حالا سیصد تومان است
و کالسکه ها دیگر اسمعیل آباد را نمی بینند مگر آنکه در جنگله کوار اردوی مبارک ملحق شوند و ضرورتی
که آن راه هم تعمیر شود چون سر راه منزل نیست ناچار باید اردو در اسمعیل آباد منزل نمایند و با آب
حرکت فرمایند و از اسمعیل آباد هم بمظفری کوار با اسب بروند از جلو دره تو مهدی که راه آب رود
و به اسمعیل سر رود همه جا راه از منخفضهای کوه و جنگلی و کنار نشیب رودخانه قره اقاج است
و خالی از زحمت نیست و راه سازی آن متعذر و بیفایده است و مخارج منظور نمیشود و در وقت
ورود به اسمعیل آباد باید بدون پل از رود گذشت و اگر فصل زمستان باشد ممکن نیست و آب
راه نمیدهد آنوقت باید منزل را از اسمعیل آباد تغییر داد و بمظفری کوار قرار داد و اسمعیل آباد

نمیشود و آنوقت فاصله ما بین باب لنار و مظفری نه فرسنگ میشود و چون آبادی نیست چادر هم
ندارد و اسمعیل آباد قریه ایست مشجر آباد و دارای یکصد خانوار جمعیت در کنار رود قراقاج
و دامنه کوه سفید ار و اشجار انار و انجیر آبی و دیمی مرکبات و انگور و کمی نخل و اغلب
اشجار کوهی خاصه انجیر که باندازه نارون میشود در این آبادی کوهساران دیده میشود برف در
فرسخی اغلب در زمستان یافت میشود شکار آن کبک و قوچ و میش و پلنگ است و گاهی کفتار
رودخانه گلهای مختلف خاصه خرزهره الوان فراوانست یکباب حمام مخروبه و آسیا و مسجد
مختصری هم دارند زراعت این حدود را لیغی از فتح آباد و باب لنار و اسمعیل آباد هیچ اذیت
نرسانیده و لیکن کمی زنگ زده اما میوه جات آنها خوب و اتفاقی ندارد جلگه اسمعیل آباد بجهت
محل اردو بواسطه قرب رودخانه و کنار اشجار جنگلی خاصه در فصل زمستان بسیار خوب و با
صفا و مشکو است در کلیه این بلوک زراعت دیم با وجود آب قراقاج بسیار خوب میشود
شلتوک آنها در نهایت امتیاز و فراوان است قریه اسمعیل آباد و آب سرد متصله
بکوه که کمی فاصله دارد در حدود ملکی حاجی محمد مهدی میرزا است و آب سرد و اشجارش خاصه انار
و انجیر کوهی و دیمی است مالیاتش آنها الاغ قریب هزار و هشتصد گوسفند دارند مال التجاره
این حدود تنباکو و مرکبات و انار و انجیر کوهی است

منزل بیستم

منزل بیستم اردوی مبارک قریه مظفری کوار است قریه مظفری کوار که وسط جلگه کوار واقع شده
ملک جناب قوام الملک است فاصله ما بین اسمعیل آباد و کوار چهار فرسخ تمام است
چنانچه در منزل قبل عرض شد اهالی اردو از اسمعیل آباد با اسب بدون کالسکه باید
حرکت نمایند تا دو فرسنگی که راه بونه مهدی و راه مظفری یکی میشود و ملاقی شوند که
کالسکه سوار شوند وضع راه پس از حرکت از منزل تقریبا مغرب شمالی است و گاهی غربی
والی یک فرسنگ و نیم پس از گذشتن از رود قراقاج که از نزدیکی اسمعیل آباد عبور میشود
باید در ابتدا و دامنه کوه و منحنیهای ماهور جنگلی و نشیب و فراز کنار رودخانه قراقاج
سیر نمود و چندان صعوبتی ندارد بلکه تخت روان بخوبی گذر و همه جا رودخانه نمایانست
و همراه و زراعتهای قراگنگ و کرفت و بیدسکان و خرمائی و ده شیر
که در سمت جنوب رود هستند و زراعت آنها در شمال دیده میشوند و جنگل مختصر بید و بادام
کوهی و بن در دامنه مشاهده میشود شکار خوک و کبک و دراج و قوچ و میش و غیره در این
ابتدا بسیار است و اصل راه خیلی باصفا و همه جا آب موجود است و پس از بیرون آمدن
از ماهورها جلگه وسیعی نمایان میشود که اول بلوک کوار است و دهات آباده و قصیرا

و مظفری و قصر احمد و خوه کوار و غیره بفاصله‌های کم پدید میشوند و بمرور رودخانه مجهی شود
و راه مسطح کرده و از طرفین جاده کوهسار سفید از سابق الذکر و کوه مهارلو از جنوب و شمال
مرئی هستند و این جلگه تمام دارای زراعتهای آبی و دیمی بسیار فراوان مرغوب و دهات
مشجر آباد است اهالی این دهات در جلگه مزبور در تابستان زیر چادر سکنی نمایند و مواشی
خود را نگاهداری نمایند و آب کلیه این مزارع و قرار از بند است معروف به بند
بهمن که بر رود بسته شده است و دو فرسنگ تا این مکان فاصله دارد و خالی
از خرابی نیست در این دهات قنوات هم دیده میشود که هم از رودخانه بر میدارند و هم
بخودی خود آب میدهد کاروانسرا خرابه در آخر جلگه سر راه بونه مهدی واقع شده که در
زمستان قوافل ناچارا در اینجا منزل می‌کنند و از نزدیک قریه آباده کوار راه دو شعبه
شود یکی از طرف دامنه کوه شمالی و معروف براه شهری و راه کالسکه رو میباشد
و با کبرآباد و ده نو و شیراز رود و یکی به دهات مفصله فوق بلوک کوار و همه جا
کالسکه حرکت و در کلیه این مسافت چندان تعمیری نیست مگر آنکه روی جمیع نهرها
که اغلب عمیق میباشند باید پل چوبی بست و کلیه از سنگ برنجی و پلهای
کوچک چوبی و سنگی مبلغ پانصد تومان مخارج بر آورد شده است تا بمنزل مظفری کوار

رسند

رسند مظفری کوار قریه ایست معتبر و آباد که سکنه در بیوت متفرقه و هم در قلعه جدید البنا
منزل دارند عمارت اربابی بسیار عالی جامع و باغات بسیار با شکوه که دارای
میوه جات تابستانی رز و هلو و سیب و انار و بادام و انار و میباشند در این
آبادی دیده میشود حمام متوسط و آسیا دایر و یک رشته قنات علاوه بر آب رودخانه
دارند جمعیت بومی این آبادی قریب دویست خانوار است و اغلب تفنگچی و در وقت
لزوم حاضر خدمت میباشند زراعت آنها غله و تریاک و پنبه و شلتوک و صیفی
خربوزه این بلوک از قرار مذکور مرغوب شود برف در تابستان در مقام ضرورت
از کوه سفید از دو چهار فرسنگی حمل شود از این قریه کوه غربی شیراز کوه
سبزپوشان از فاصله هشت فرسخ کم و بیش نمایان هستند املاک جلگه کوار اغلب
ملک جناب صاحب دیوان و جناب قوام الملک است و شیخ الاسلام فارس هم
چند پارچه را مالک است درخت مرکبات ندارند بواسطه سرمای زمستان در این
حدود کمتر عمل آید بلکه نادر است کوه جنگلی کوه بهمن و ملوک تا این قریه دو فرسنگ
و هیزم از آنجا حمل نمایند زراعت این بلوک را زنگ مختصر خسارت رسانیده است

منزل بیست و یکم

منزل بست و یکم اردوی مبارک قریه ده نو است قریه ده نو ملکی جناب قوام الملک و
جزو حومه شیراز است و تا شهر سه فرسنگ و نیم فاصله دارد فاصله ما بین مظفری
و ده نو شش فرسنگ است وضع راه پس از حرکت از مظفری در امتداد شمال غربی
و شمالی است قریب یک فرسنگ از کنار زراعتهای مختلفه آبی و دیمی خود قریه مظفری
در زمین مسطح صاف عبور کنند پس از آن قریه اکبرآباد که دهی است آباد و معمور و دارای
درخت و اهالی آن در قلعه بزرگ سکنی دارند و ملک جناب صاحبدیوان است
نمایان شود و راه از کنار زراعتهای دیمی و آبی این قریه است پس از آن قریه قاسم آباد
و محمودآباد در یمین و یسار جاده رؤیت شوند و نیز زمین صاف مسطح است و قریه
فتح آباد و باغات ملکی جناب صاحبدیوان بفاصله یک فرسخ از سمت یسار جاده دیده
شود و این جلگه کلیه زراعت با شکوه مرغوب قرار مذکور است و واقع شده است
مابین دو کوه این باغات بورکی که تقریبا فاصله مابین این دو کوه در بعضی نقاط یک
فرسنگ و نیم و دو فرسنگ است و در انتهای این جلگه بخودی خود کوه کوچکی عرض
این جلگه را قطع نماید و از اینجا راه دو شعبه شود یکی از روی دامنه و قله این کوه و معبر
قوافل است و عبور از آن خالی از صعوبت و زحمتی نیست و یکی دیگر از سمت یسار دره

مخصوص

مخصوص که راه کالسکه است و کمی سنگ شکنی و سنگ برچینی و اصلاح دارد و خرج تعمیر آن
قریب مبلغ هفتاد تومان است و این دو راه یکی از قله که بگردنه باباحاجی معروف است
و یکی از دره این باغات و یک در سمت شمال گردنه نزدیک کاروانسرا یکدیگر متصل شوند
عبور گردنه مزبور به پیچهای آمده لغزنده و صاف خالی از زحمت نیست و از قله این گردنه
کوه تمام حومه شهر الی شیراز نمایان است و زراعات و چمن و یک و بید زرد و چاه آبها
بنظر آید و خیلی باصفا و شکوه است و در پایین گردنه کاروانسرا و سیاه آبی نمایان
شود که محل قافله است و چند اصله درخت توت و نارون و قوچی اردو سیاه آب آن نی
بزرگ که اطراف آن نی زار است از جلو کاروانسرا جاری است و بقریه ده نو رود
درین نقطه هشت نفر تفنگچی مستحفظ را و منزل داده اند مرحوم شاهزاده حاجی معتمدالدوله رحمة الله
علیه چند نفر مقصر را در اینجا برروی چپر گچ گرفته اند که عبرت ناظرین است پس از گذشتن
از کاروانسرا الی یک فرسنگ و نیم در امتداد جلگه مسطح زراعتی و چاه آبها عبور شود تا
بقریه ده نو رسند قرار بیدزرد و نقشه نو کوشک خلیل و دهک و غیره در امتداد
راه با شکوه زیاد و مرئی هستند در کلیه این راه از اول حرکت مظفری الی ده شکار تهو
و در بعضی نقاط سیاه آبها گزاره و در کوهسار قوچ و میش کاهی یافت شود و اهالی این دهات

در تابستان از قلعه و آبادی خود خارج شوند و در زیر چادر سکنی نمایند ده نو قریه ایست
آباد که آب آن سیاه آب مذکور و بابا حاجی است و قلعه در روی تپه ساخته شده که
شصت خانوار در آن منزل دارند عمارت اربابی مختصر و حمامی مختصر نیز دارد و در جلو قلعه
باغ اربابی است بسیار بزرگ که مشتمل بر اشجار چنار و نارنج و سروهای کهن و میوه
جات تابستانی است و خیلی باغ معتبر با صفای عالی است ولی امسال شروع نموده اند
بقطع اشجار چنار آن در حقیقت بعد ها از این طراوت خواهد افتاد یکطرف جلگه که
بفاصله یکفرسنگ بر رشته کوه مهارلو وصل شود و طرف دیگر صحرای جمه و توابع شهر است

منزل بیست و دویم

منزل بیست و دویم اردوی مبارک خود شیراز است فاصله ده نو و شهر شیراز چهار
فرسنگ وضع راه تقریبا در امتداد شمال است پس از حرکت از ده نو در امتداد
زراعتهای چلو و آبی و آبی خود ده سپیر شود و بجهت کالسکه تا پل فسا که تقریبا نیم فرسنگ
ما بقی است مگر آنکه چند باب پل کوچک روی نهرها بسته شود که پل فسا پسند در این نقطه
راه منزل بیست و دویم و راه منزل اول تلاقی نمایند و همان دهات و مزارع معروضه
بنظر رسد و کوهستان شمالی و غربی شهر شیراز که بکوه بمو و برفی معروف اند پدید شود

با تبارکی و سلامتی و میمنت اردوی مبارک وارد شهر شیراز حضرت بالامن و الاعزاز گردید
بعون الله تعالی و منه و احسانه

حمد خداوند متعال و قادر لایزال را و درود بی پایان بر پیغمبر بزرگوار و آل طاهرین او
سلام الله علیهم اجمعین باد که این اپورت مسافرت از شیراز به فسا و داراب و جرد
و جهرم و خفر و کوار الی مراجعت بشیراز در زمان فرمان فرمائی حضرت مستطاب
اشرف والا شاهزاده معتمد الدوله العلیه ادام الله تعالی عمره و اقباله العالی بمامورت
و قلم این خانه زاد دولت ابد مدت قاهره محمد حسن میرزا مهندس قاجار صورت اختتام
پذیرفت فی شهر شوال المکرم مشهور سنه ۱۳۰۸ هزار و سیصد و هشت
مطابق با توشقان ییل ترکی

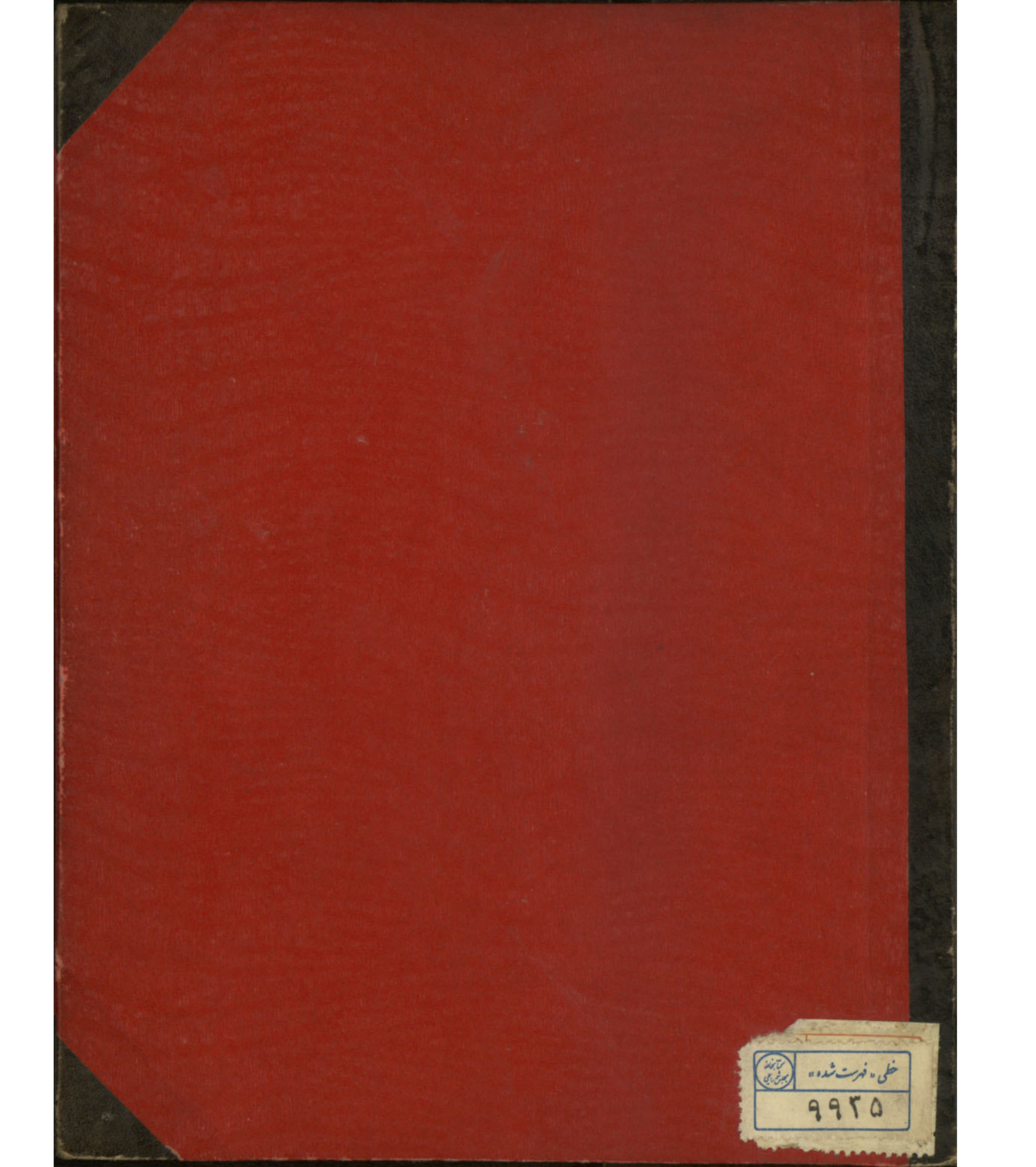
تعداد منازل از شیراز به بیرون رفتن	مسافت مابین کلیه منازل	مخارج اصلاح راه با مواقع خرج
و فسا و داراب و جهرم و خفر و کوار الی مراجعت بشیراز بیست و دو منزل است	[illegible] فرسنگ است	کما بیجه [illegible] تومان است

ابتدای شروع برای پاریس خط
اول برج عقرب است

زل
طول مدت بجهة راه [illegible]
عده فرسخ در فرسخی سوم
دولت پنجاه و دو کرور [illegible]
از روزنامهای [illegible] در بهار [illegible]
پنجاه چهارماه

غیر از مخارج راه که هند چادر [illegible]
و اسباب کار در اینجا [illegible]
که قیمت آن در جزو اجرت است
حکومت فارس نیز [illegible]

[illegible]


خطی «فهرست شده»
۹۹۳۵